

## خون ناحق

ابراهيم يزدي

باي ذنب قتل - به کدام گناه کشته شده است (تکویر 9)

ديدي که خون ناحق پروانه شمع را  
چندان امان نداد که شب را سحر کند

1

- در رویدادهای بعد از دهمین انتخابات ریاست جمهوری و اعتراض‌های مسالمت‌آمیز مردم در خیابان‌ها و نیز در بازداشتگاه‌های رسمی و غیررسمی، ارتکاب جرم و جنایات مطرح و ادعا شده است که می‌توان آنها را در سه گروه طبقه بندی کرد: تجاوزهای جنسی، آزار و شکنجه در بازداشتگاه‌ها و قتل افراد در خیابان‌ها و در بازداشتگاه‌ها. از این سه، تجاوزهای جنسی در نامه‌های آقای کروبی مطرح شده و هیأتی هم آنها را بررسی و گزارش منتشر کرده است. در مورد آزار و شکنجه زندانیان که حداقل در بازداشتگاه کهریزک، مقامات قضایی در حال رسیدگی هستند و ظاهراً 104 نفر به عنوان شاکی مراجعه کرده‌اند و هفت نفر از مسوولان نظامی و انتظامی بازداشت شده‌اند. در مورد جنایات ارتکابی در کوی دانشگاه نیز گفته می‌شود تحقیقات مفصلي در جریان است. اما این رسیدگی هم اگر خبر آن صحت داشته باشد، خوب و بجاست، اما کافی نیست. رئیس سابق قوه قضائیه با صراحت گفته بود که زندان، به خصوص نگهداری در سلول انفرادی که رویه رایج در بسیاری از زندان‌ها به خصوص در مورد زندانیان سیاسی است، نوعی شکنجه محسوب می‌شود. این رویه باید متوقف شود.

2- اما در جریان رویدادهای بعد از انتخابات، افرادی، چه در خیابان‌ها و چه در بازداشتگاه‌ها کشته شده‌اند. اگر چه مقامات قضایی، انتظامی و امنیتی، قتل تعدادی از هموطنانمان را تایید کرده‌اند، اما در مورد تعداد آنها و وابستگی آنها به نهادها و جناح‌ها، دعاوی متفاوتی مطرح شده است. در حالی که فیلم‌های ضبط و پخش شده از برخی صحنه‌ها، تیراندازی به سوی مردم را نشان می‌دهد و پزشکی قانونی علت مرگ برخی از بازداشت‌شدگان را ضرب و شتم و ضربه به سر ذکر کرده است، برخی از مقامات اصرار دارند که مردم و خانواده‌ها بپذیرند که بازداشت‌شدگان به علت ابتلا به بیماری مننژیت در گذشته‌اند.

صرف نظر از تعداد کشته‌شدگان، چه در خیابان‌ها و چه در بازداشتگاه‌ها، قتل مظلومانه جمعی از مردم بی‌گناه قطعی و غیرقابل انکار است. آنچه در این نوشته مورد بحث است، داور در مورد راست یا دروغ بودن تجاوزات جنسی به بازداشت‌شدگان و یا در مورد شکنجه در زندان‌ها و تعداد کشته‌شدگان یا دعاوی مسوولان امر نیست - رسیدگی و داور به این دعاوی در واقع وظیفه اصلی قوه قضائیه سالم، بی‌طرف و صاحب عزم است - بلکه در مورد قتل مظلومانه این بیگناهان است. این افراد در هیچ دادگاهی محاکمه و محکوم نشده بودند. جرم برخی از آنها تنها شرکت در یک راهپیمایی اعتراضی بوده است. این مشارکت با هیچ ضابطه و معیار حقوقی و قانونی، جرم و آن هم جرمی که مجازاتش قتل باشد، محسوب نمی‌شود. چه کسی اجازه تیراندازی به سوی مردم را صادر کرده است؟ قانون اساسی، راهپیمایی بدون حمل اسلحه را آزاد دانسته است. نظام جمهوری اسلامی با قانون اساسی‌اش تعریف شده است. زیر پا گذاشتن اصول قانون اساسی یعنی اقدام علیه نظام. قانون اساسی یک میثاق و پیمان ملی است. زیر پا گذاشتن یک جانبه اصول قانون اساسی یعنی نقض عهد. این قانون‌شکنی، خلاف آموزه‌های قرآنی است: **يا ايها الذين آمنوا افوا بالعفود (مانده 1)**. برخی از نظریه‌پردازان جریان راست افراطی اعتقادی به جمهوریت ندارند و اسلامیت نظام را اصل می‌دانند. بر این اساس آنها اولی‌تر از هر کسی هستند که به آموزه‌های قرآن عمل کنند. چطور می‌توانند آموزه‌های قرآن را به بهانه حفظ نظام زیر پا بگذارند.

3- می‌گویند تظاهرکنندگان قصد آشوب داشته‌اند، یا در اعتراض‌های خیابانی دست به آشوب زده‌اند. به فرض صحت این ادعا، راه کار مقابله با شورش خیابانی، تیراندازی به سوی مردم به قصد کشتن آنها نیست. در نظام‌های قانونمدار در چنین مواردی، یعنی احتمال شورش و تخریب، ماموران ضدشورش، برای متفرق کردن مردم ابتدا تیراندازی هوایی می‌کنند. سپس در صورت ادامه شورش، به پاهای تظاهرکنندگان تیر می‌زنند که بتوانند آنها را دستگیر کنند. کسانی که حکم تیراندازی به سوی مردم و کشتن آنها را صادر یا آنهایی که این دستورات را اجرا کرده‌اند با هیچ معیار و ضابطه‌ای نمی‌توانند این قتل‌ها را توجیه کنند؛ در هیچ دادگاهی نمی‌توانند ثابت کنند که این افراد مجرم و مستحق مرگ بوده‌اند، اینها اگر بتوانند جواب مادر و یا پدر روح‌الامینی‌ها را بدهند و آنها را ساکت نمایند نه جوابی برای وجدان خود دارند و نه از عدالت خداوند راه گریزی.

4 - خداوند کریم می‌فرماید: «**وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَ مَنْ قَتَلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطٰنًا** - و کسی را که خداوند (کشتن وی را) حرام کرده نکشید، إجز بحق، و هر کس که به ستم کشته شود، به وارث او تسلطی داده‌ایم - اسراء 33».

آیا کشتن این مظلومان حق بوده است؟ با چه معیار و ضابطه‌ای با کدام حکم شرعی یا قانون مدنی؟ به راستی **بای ذنب قتل**: به کدامین گناه کشته شده است؟ مشخص کردن تعداد کشته شدگان ضروری و مهم است. اما جدال بر سر تعداد آن‌ها بازدارنده پیامدهای آن نیست. باز هم این خداوند است که می‌فرماید: **مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا... (مانده 30)**.

آیا آمران و عاملان این کشتارها از آن عاقبت سوئی که از آن راه‌گریزی ندارند، نمی‌هراسند، ترس و نگرانی ندارند؟

ممکن است از رسیدگی در دادگاه‌های این دنیایی، راه‌های گریزی داشته باشند اما آیا راه‌گریزی از خشم الهی دارند، آیا آنها برگ مصونیت از پیگرد الهی را دریافت کرده‌اند؟

به راستی چه فکری کرده‌اند؟ و چه فکری می‌کنند؟